

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

تقلاً بمنظور بقاً و مشکلات ناشی از آن

آمادگی بمنظور ترک کشور و واگذاری افغانستان به مخلفان مسلح؟
آیابان بود نظامیان خارجی در کشور، صلح ببار خواهد آمد؟

نسبت حسابی حوادث یادشده با قضایای کشور
سازماندهی و رهبری جنگ علیه تروریسم
نقطه نظرهای موافقان و مخالفان
اتهام‌های وارده علیه یکدیگر

حفظ حاکمیت ملی و حراست از تمامیت ارضی کشورها، تضمین
کننده استقلال و آزادی کشورها محسوب گردیده، دفاع از مرز
های کشور و تعیین حد و حدود میان کشورهای مستقل و دارای
حاکمیت ملی، از جمله اصول و اساسات اصل روابط بین الدول
را تشکیل می‌دهد. منافع علیای هر کشوری حکم می‌نماید تا
در دفاع از اصل‌ها و مفاهیم متذکره سعی بعمل آید. حق تعیین
سرنوشت ملت، مهمترین موضوع بحث ملت‌ها بشمار می‌آید.

نخست از همه تذکر این مسأله حتمی و لازمی بنظر می‌رسد که تحلیل گران در مجموع، دورنمای مذاکرات و گفتگوهای مستقیم
بین افغانستانی میان مقامات رسمی کابل و رهبران "طالب"ها که خویش را در نتیجه جنگ ۱۷ ساله در کشور، پیروز مند می‌شمارند،
مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. تناقض اوضاع و چگونگی وضعیت چنین می‌نمایند که طرف‌های متخاصم افغانی، در مقایسه
با بازیگران خارجی وضعیت کشورها، بگونه اندکی به صلح نیازمندند کاین در نوع خود، بزرگترین معضل در تمامی مذاکرات
و گفتگوهای راجع به کشور ما بشمار می‌آید.

مقامات رسمی حکومت وحدت ملی اعلام نمودند که بمنظور زمینه سازی مذاکرات و گفتگوهای مستقیم و رودررو با "طالب"ها،
هیأت ۱۵ نفری بمتابجه گفتگوکننده‌های جانب کابل تعیین گردیده است. قرار است تا مذاکرات یادشده در یکی از کشورهای اروپایی
سازماندهی گردد. تا همین ایام پسین نیز "طالب"ها چون اشرف غنی را بمتابجه دست نشانده غرب می‌پندارند، از مذاکره با حاکمیت
سیاسی کشور برهبری نامبرده اباً می‌ورزیدند.

قابل تذکر پنداشته میشود که از مذاکرات متذکره نباید منتظر نتایج جدی و فیصله کن بود. در نتیجه هفت دور مذاکرات "طالب"ها
باجانب امریکایی، موضع و موقف "طالب"ها تغییر ناپذیر و ثابت باقی مانده و اندکترین تغییری در آن وارد نگردید. در گام نخست،
مجموعه ای از توافقات در مورد خروج نظامیان امریکایی و پس از آن طرح مسایل مربوط به حل و فصل قضایای موجود کشور.
نباید فراموش خاطر ما گردد که طرف‌های مطرح در مذاکرات و گفتگوها، هر کدام با انگیزه‌هایی، بسیاری از مسایل و موارد را
در معرض تهدید و خطر قرار می‌دهند. همچنان پس زمینه‌ای نیز موجود می‌باشد که سبب پیچیدگی بیشتر قضایا و مشکلات موجود
می‌گردد. نقش پکن، دهلی، مسکو و تهران را در موارد یادشده نباید فراموش نمود. همه کشورهای یادشده با علاقمندی‌های
منحصر بفردی به کشور ما نگاه نموده و از کلیه امکانات استفاده بعمل می‌آورند تا با سهمگیری فعال، در موارد مربوط به بخش‌های
های مورد نظر، و در آتش تناقضات میان مجریان اصلی قضیه موجود، از دست‌آوردهای بیشتر و بیشتری برخوردار گردند.

اما باید یادآور شد که پشت صحنه، بهیچوجه بمتابیه منسجم ترین محل بمنظور حل و فصل مسایل قبلی و موارد در حال ظهور در کشور ما حتا در تصور هم نمی گنجد. عمده ترین خطر در وضع کنونی، بگونه عمده در این خلاصه می گردد که نیمی از بخش ها و طرف های مذاکره کننده یعنی حکومت وحدت ملی و "طالب" ها، بمقایسه سایرین، بیشتر در مورد حل و فصل صلح آمیز قضایای کشوری اندیشند.

تناقض یاد شده، در ظاهر امر عجیب بنظر می رسد، اما طرف های متخاصم داخلی در قضایای کشور ما بمقایسه با بازیکنان خارجی بگونه اندکی به صلح در کشوری اندیشند که چنین وضعیتی، در نوع خود نه تنها سبب سردرگمی همه می گردد، بلکه مأمول مور د نظر بمتابیه موجودیت یک بژ ساده در دامنه کوهی پنداشته می شود که شانس عبور از دامنه کوه و یا سقوط در پرتگاه، بگونه مسا وی پنجاه درصدی موجود می باشد.

اما خطر احتمالی شکست روند مذاکرات توسط "طالب" ها نیز وجود دارد. بمنظور اثبات موضوع فوق، دلایل بیشماری موجود بوده که بر بنیاد آن، چنین خطری ممکن از قوه بفعال مبدل گردد. آنها سلاح بردوش و مسلح، خواستار ایفای نقش در پروسه متذکره بوده و خواهان آنند تا بمتابیه بازیکن قابل توجه، سهم بیشتری در مجموعه قدرت سیاسی کشور به آنها تفویض گردیده و بمنظور یافتن جای پا در موارد رسمی مالی و اقتصادی نیز سعی می ورزند. مناطقی که "طالب" ها یا بگونه جزئی و یا کامل بر آنها تسلط دارند، در آنجا یگانه رقیب آنها بگونه رسمی، کابل محسوب می گردد. آیا ممکن است که در چنین وضعیت و حالتی با آنها به توافق نایل گردید؟ یا مراعات نمودن آنگونه قراردادی که بویژه پس از خروج ایالات متحده و هم پیمانانش از کشور ما مطرح می باشد؟ در اینجا آیا می توان با گفته ها و اظهار نظر های مایکل مورل، معاون قبلی سازمان استخبارات مرکزی ایالات متحده سی. آی. ای. موافق بود که یادآور شد: "طالب" ها از نظر عقیدتی، تمایلی با اشتراک در قدرت ندارند."

این یکی دیگر از ویژگیها و مشخصات آنها بشمار می رود. دادن ضمانت از جانب "طالب" ها بامریکایی ها که سرزمین و اراضی افغانستان، هیچگاهی به پناهگاه و محل فعالیت های خرابکارانه "دولت اسلامی"، "القاعده" و گروه های تروریستی دیگر از قبیل "جنبش اسلامی ازبکستان" و "حزب اسلامی ترکستان شرقی" مبدل نخواهد شد.

اما نکته اصلی اینست که گروهایی از "طالب" ها ممکن بگونه قطعی و بدون حصول توافقی، با ایالات متحده قطع علاقه نمایند. اما "طالب" ها با اعلام موجودیت و حضور شان بمنظور تسلط کامل بر تمامی سرزمین و اراضی افغانستان تلاش می نمایند. علاوه بر آن، این خطر نیز وجود دارد که تحت فشار "نیروهای ائتلاف بین المللی" نیز قرار گیرند. چرا و به چه دلایلی "طالب" ها اینهمه خطرا بجان می خردند؟

همچنان با دستیابی به توافق صلح، آنها تحت شرایط مشخص و منحصر بفردی، خطر تجزیه و ایجاد شگاف های داخلی بگونه مستقیمی "طالب" را مورد تهدید قرار می دهد. گروه اخیر الذکر را نمی توان بگونه قبلی، یکپارچه تصور نمود. اتهام "خیانت بارما ن ها"، نزد همه و بویژه نزد "طالب" ها "جبران ناپذیر" محسوب می گردد. این خطر نیز وجود دارد که به معاملات انجام شده واقعی نگذاشته و به جنگ وزد و خوردهای مسلحانه همچنان ادامه دهند. اتفاق چنین حالتی در تاریخ بگونه معمولی انجام پذیرفته است. اما با کابل، انجام و تداوم موارد یاد شده چندان دشوار و پیچیده بنظر نمی رسد. نخبگان حاکم بر ثروت، بگونه کاملی وابسته به حاکمیت کنونی در کشوری باشند. بدلیل متذکره، فقط قرابت ها و نزدیکی های یاد شده این امکان را برای آنها میسر و مهیا می نماید تا با توسعه کمک های خارجی بمنظور توسعه و بازسازی کشور، افغانستان در مجموع به سیاه چاهی مبدل گردیده که میلیارد ها دلار، بدون موجودیت اثری باقیمانده از آن، ناپدید شده و به یغما برده شود. بسخن دیگر، تداوم جریان تأمین منابع مالی برای نخبگان حاکم بشمار می آید. این خود، در واقع، بمتابیه موجود طفیلی محسوب می گردد که قادر بانجام فعالیت و عملکرد مستقلی نبوده و سعی می ورزند تا نیمی از دستاوردهای حاصله به دشمن دیروزی تفویض و تجویز گردیده و چنین اقامه دعوا می گردد که هیچ دلیل قناعت بخشی برای خرابکاری در جهان وجود ندارد.

علاوه بر آن، این نخبگان با اهمیت انحصاری خاص خود برای جامعه جهانی پی برده اند. همچنان ۹۹ درصد از مقامات ارشد در دستگاه اداره دولتی کشور ما که هر کدام از آنها به قبیله خاص و منحصر بفردی مرتبط می باشند، افراد قبایل یاد شده را از رهگذر اقتصادی و معیشتی یاری نموده اند و این پروسه همچنان باید تداوم یابد.

قابل یاد دانهانی می باشد که دورنمای صلح و مصالحه با "طالب" ها سبب خرسندی سایر ملیت ها و باشندده های سرزمین ما از جمله ازبک ها، تاجیک ها، هزاره ها و سایر باشندده های کشور عزیز ما شده و بگونه طبیعی، باعث رضایت خاطر رهبران پنتون کشور نیز خواهد گردید. اما، خاطرات ناگواری از عملکرد و نحوه برخورد خشن "طالب" ها در مدت زمان حاکمیت شان در کشور در اذهان اهالی و باشندده های کشور عزیز ما باقیست، آنها حوادث و واقعه های مزار شریف، کندز و تالقان را هرگز فراموش نخواهند نمود و به مشکل می توانند بخود بقبولانند که "طالب" ها تغییر نموده اند.

در نهایت امر، شرایط و وضعیتی بوجود آمد که خود افغان ها بگونه منحصر بفردی آماده شدند تا مسیر های پیچیده در کشور را

خود طی نمایند. کشوری که مدت زمان چهل سال در آن شعله های جنگ، ویرانی و درگیری های نظامی و مسلحانه زیانه کشیده و هستی مادی و معنوی مردم را معدوم نموده است. متأسفانه، نسلی از هموطنان افغان ما، در مورد موجودیت زندگی صلح آمیز، حتی تصویری هم در ذهن ندارند کاین در نوع خود مشکل اصلی کلیه مذاکرات و گفتگوها در مورد کشور عزیز ما را تشکیل می دهد. باید یادآور شد که "طالب" ها در این اواخر بر امضای توافقنامه صلح با امریکایی ها حساب باز کرده اند. مطابق اخبار به نشر رسیده توسط وسایل اطلاعات جمعی، بروز پنجشنبه، هفتمین دور مذاکرات ایالات متحده با نماینده های "طالب" ها بمنظور حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور در دوحه عقب در های بسته انجام پذیرفت.

مطابق اطلاعات داده شده توسط مطبوعات، نماینده های "طالب" ها و دولت افغانستان امیدوارند تا در نتیجه مذاکرات یادشده، توافقات و موافقتنامه هایی در مورد ختم جنگ و درگیری های ۱۸ ساله در کشور بدست آید.

مطابق اخبار واصله از محل مذاکرات، نماینده های ایالات متحده و "طالب" ها از مجامع بین المللی، سازمان های بین المللی و از عده ای از کشورها تقاضا بعمل آوردند تا حین امضای توافقنامه ها در مورد اعاده صلح در کشور، نماینده های شان را بمثابة ناظر به محل موعود بفرستند.

انتظار برده می شود که عقد قرارداد و توافقنامه، شرایط و وضعیت را بمنظور قطع اقدامات مسلحانه و گشودن راه و مسیر تداوم دیالوگ و گفتگوها میان "طالب" ها و مقامات رسمی دولت افغانستان را بیش از پیش مساعد و مهیا نماید.

با این وجود، منابع "طالب" ها اظهار می نمایند که آنها با اصل تدویر انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در ماه میزان سال روان براه انداخته شود، مخالف بوده و چنین می پندارند که یگانه امکان موجود و عملی، فراهم آوری زمینه بمنظور استقرار حکومت مؤقت در کشور می باشد.

در مذاکرات و گفتگوهای قطر میان نماینده های ایالات متحده و "طالب" ها، در ضمن طرح سلسله مسایل مورد بحث، برفع ضد و نقیض های موجود در مورد مصالحه در کشور و خروج نظامیان ایالات متحده از اراضی افغانستان، انصراف "طالب" ها از ایجاد روابط و مناسبات با سایر گروه های تشدد طلب و افراطی، به توافقات معینی نیز نایل گردیدند.

در مورد مذاکرات یادشده، تفسیر بیشتری موجود نمی باشد. نماینده ایالات متحده در گفتگوهای یادشده، در تویترش نوشت که در نتیجه بحث و مذاکرات چندین روزه در قطر به "فرآیندهای برتری" دست یافته اند. وظیفه دیپلوماتیک در عرصه حل و فصل صلح آمیز قضایای ۱۸ ساله و ختم زد و خورد های مسلحانه در کشور، البته با شرکت و سهمگیری ایالات متحده در میان سایر اهداف، تنظیم و اجرای مذاکرات بین الافغانی و قطع دائمی آتش جنگ در کشور، در اولویت کاری آنها قرار گرفت.

مسوؤل مطبوعاتی رئیس جمهوری کشور، از اطلاعات و داده های اندک و وسایل اطلاعات جمعی در مورد اظهار داشت که امر یکایی ها دونه نسخه از صورت تفاهات پنهانی شان با "طالب" ها را در اختیار حکومت وحدت ملی قرار دادند. همچنان از مسایلی در مورد تعیین تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نیز تذکر بعمل آمده است.

قرار اطلاعات و خبر های به نشر رسیده، نماینده های ایالات متحده و "طالب" ها در مورد امضای توافقنامه صلح و مصالحه، بهمد یگر نزدیک شده اند. آیا پایان جنگ در کشور ما، "بزرگترین جایزه" دونالد ترامپ بحساب خواهد آمد که آمادگی ها برای مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری پیشرو در ایالات متحده را در سرلوحه وظایف و مسوؤلیت هایش قرار داده است. به گزارش منابع آگاه، بسیاری ها در داخل کشور ما نیز باین گمان اند که انجام معاملات (!) ایالات متحده با "طالب" ها موفقیت آنچنانی در پی خواهد داشت، بلکه بیش از پیش سبب تشدد و گسترش فعالیت ها و اقدامات انتقامجویانه خواهد گردید.

ممکن ایالات متحده و "طالب" ها بامضای توافقنامه ای در مورد ختم طولانی ترین جنگ تاریخ ایالات متحده مؤفق گردند که در نوع خود، چنانچه قبلن یادآوری بعمل آمد، بمثابة جایزه ای برای دونالد ترامپ تلقی گردد. اما بسیاری از جنرال های امریکایی، دولت مرکزی ایالات متحده را از تکرار اشتباهات و خطاهایی که در عراق انجام گرفت، بر حذر می دارند.

عده ای از مشاوران امنیتی چنین می پندارند کاین توافق در مورد صلح و ختم جنگ، در واقعیت امر، بمفهوم هدر دادن دستاورد های سال های پسین در افغانستان بشمار می آید.

با این وجود، هیأت های شرکت کننده ایالات متحده و "طالب" ها بر هبری خلیل زاد و ملأ برادر، بگونه خصوصی به طرفداران شان خاطر نشان نمودند که معاملاتی میان طرفین عقد گردیده است که در مطابقت با آن، بتعداد ۱۴ هزار تن از نظامیان امریکایی در طول مدت زمان ۱۵ ماه که بگونه تصادفی با تاریخ انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده مطابقت می نماید، سرزمین افغانستان را ترک خواهند نمود. در پاسخ، "طالب" ها در عرصه مربوط، به قطع رابطه با گروه های دهشت افکن و تروریستی و سهمگیری در امر مبارزه علیه آنها توافق نموده و موافقت خویش را در زمینه ابراز نمودند. همچنان با وجود آنکه آنها رسمن از آتش بس و اجرای آن ابا می ورزند، از حمله و زیان رساندن به قوت های خارجی نیز باید خودداری نمایند.

در آستانه دیدار و گفتگوهای قطر، در مورد حل و فصل بسیاری از مسایل و قضایای موجود، بگونه تفصیلی شور و بحث بعمل آمد.

از جمله مسایل مورد بحث، یکی هم مسأله تبادل زندانیان بود. همچنان تصویب بعمل آمد تا "طالب" ها از استفاده و بکارگیری هر نوع ابزار و وسایلی که ایالات متحده را مانند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مورد هدف قرار دهد، اجتناب ورزیده و از آن جلوگیری بعمل آورند. نماینده های طرف های مذاکره کننده همچنان اظهار داشتند که بزودترین زمان و فرصت ممکن و مساعد، توافقنامه متذکره به امضا رسیده و پس از آن، "طالب" ها بمذاکره با جانب دولت افغانستان مبادرت خواهند ورزید. بمفهوم دیگر، آیا این یک دستاورد حیرت آور بشمار می آید؟

در حالی که "طالب" ها تقریباً بر نیمی از کشور تسلط دارند، دونالد ترامپ زد و خوردهای کنونی در کشور ما را بگونه ای "جنگ بی پایان" نامید. هیچکسی منتظر موفقیت چشمگیر مذاکرات و گفتگوهای یاد شده نبود.

مسوؤل گروه مذاکره کننده امریکایی موفق گردید تا با رهبری هیأت مذاکره کننده "طالب" ها وارد مذاکرات قطعی گردد. بعقیده بسیاری ها، ترامپ بدون شک، دستیابی به توافقنامه را بمثابه بزرگترین دستاوردی محسوب نمود که به ختم جنگ در افغانستان منتج خواهد گردید. در کارزار افغانی، علاوه بر ساقط گردیدن زندگی ۳۵۰۰ تن از نظامیان ناتو، صدمه های جسمی و روحی به دهها هزار نظامیان در مجموع، وارد گردیده و مبلغ یک تریلیون دالر در فعالیت های محاروبی و نظامی هزینه گردید. جامعه بین المللی پس از مدت زمان ۱۸ سال موجودیتش در کشور ما، بگمان اغلب کارشناسان که بیش از این و بگونه دایمی و همیشگی به موجودیت و حضورش در کشور ما ادامه نخواهد داد. "طالب" ها را بگونه کامل نمی توان محو و نابود نمود. بنابراین، مواردی را باید به طرف و اگذار نمود. ایالات متحده با استفاده از راهها و وسایل مختلفی به تضعیف دولت افغانستان مبادرت ورزیده و اما هیچکسی هم از چنین وضعیتی خشمگین نگردید.

موضوع دیگری که قبل از همه و بیشتر از سایر موارد آشکار گردید و آن اینکه آیا "طالب" هایی که در این معامله و جور آمد با ایالات متحده سهم گرفتند، از چه مقام و موقعیتی در مجموعه "طالب" ها برخوردار می باشند؟

هیچکسی در واقعیت امر نمی داند و از این مسأله آگاه نمی باشد. همچنان، نقش و تأثیر گذاری رهبری سیاسی "طالب" ها در قطر را بر قوماندان های داخلی و محلی "طالب" ها نمی توان محاسبه نمود.

به گزارش سازمان ملل، در جریان دوسال پسین، بویژه ماه سرطان سال پار، خونین ترین ماه محسوب گردید. طی مدت زمان یاد شده، همه روزه بیش از ۵۰ تن از افراد ملکی بخاک و خون غلتیدند.

"طالب" ها بمنظور بکار انداختن ماشین جنگی شان، سالانه بیشتر از یک میلیارد دالر از مدرک فروش و قاچاق مواد مخدر و همچنان مقادیر هنگفت پولی از استخبارات نظامی پاکستان بدست می آورند. آیا آنها از همه این امکانات انصراف خواهند جست؟ تا زمانی که درد و رنج و آه و اشک مردم رنج دیده کشور ما ادامه یابد، از صلح و مدارا نمی توان سخنی بمیان آورد. در کشور، بیش از یک میلیون از افراد مسلح موجود می باشند. آیا در انتظار جنگی از نوع دیگر باید بود؟ تداوم زد و خوردهای کنونی در کشور بیش از پیش وحشت و دهشت بیار خواهد آورد.

حتا اگر "طالب" ها به مبارزه و جنگ خاتمه بخشند، در اراضی کشور بیش از ۲۰ گروه تروریستی و دهشت افکن دیگر موجود می باشند که از جمله می توان "دولت اسلامی" را نام برد که بویژه پس از محتمل گردیدن شکست های پیهم در سوریه و عراق، اکنون کشور ما را محل مناسبی بمنظور تداوم فعالیت های تروریستی شان انتخاب نموده و برگزیده اند.

مطابق اظهارات مقام های دولتی کشور، از جمله سروردانش، معاون دوم ریاست جمهوری کشور اظهار داشت که مذاکرات میان نماینده های دولت و "طالب" ها، پس از انجام انتخابات ریاست جمهوری در ماه میزان از سر گرفته خواهد شد.

بخاطر داریم که ایالات متحده و "طالب" ها، هفتمین دور مذاکرات صلح را در قطر انجام دادند. انتظار برده می شود که در جریان روزهای آینده، طرف های مطرح، توافقنامه ای را در مورد امضا نمایند که امکانات خروج قوت های نظامی امریکایی و زمینه کاهش و تخفیف جنگ در کشور را مساعد خواهد نمود.

موافقتنامه صلح، همچنان تسهیلاتی را در امر مذاکرات و گفتگوهای بین الافغانی فراهم نیز خواهد نمود. همچنان جانب دولت افغانستان اظهار داشت که مسایل و موضوعات مربوط به سیستم سیاسی آینده کشور، قانون اساسی و مسایل مربوط به دولت بمفهوم وسیع کلمه، با "طالب" ها بحث نشده است.

فرستاده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما، اضافه نمود که تاکنون در مورد مسایل و موضوعات موجود که سبب تناقض میان طرفین می گردید، به بحث و مذاکره پرداخته و در مورد موقف و جایگاه دولت افغانستان در مذاکرات، گفتگوهایی انجام پذیرفت.

طرف دولت افغانستان اظهار امیدواری می نماید که مذاکرات کنونی به تحکیم صلح و ثبات دایمی در کشور بیانجامد. مردم افغانستان تشنه صلح و امنیت در کشور می باشند، آنها امیدوارند که دستاوردهای سال های پسین در کشور حفظ گردیده، صلح، ثبات و امنیت همیشگی در سرتاسر کشور عزیز ما تأمین گردد.

هفدهم ماه اگست سال ۲۰۱۹

